

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهافت**

سال شانزدهم، شماره ۵۸، بهار ۱۴۰۱
صفحه ۳ تا ۲۶

طراحی الگوی توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر نقش زبان و ادبیات فارسی

رحمت اله نوروژی/ دانشجوی دکتری گروه روابط بین الملل، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران (rahmatnoroozi@yahoo.com)
محمدرضا قانعی/ استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) ghaedi@iaushiraz.ac.ir
حسن خداوردی/ استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (hakhodaverdi@gmail.com)
گارینه کشیشیان سیرکی/ دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (g.keshishyan71@gmail.com)

چکیده

تبیین مساله: یکی از ابزارهای مهم دیپلماسی فرهنگی زبان و ادبیات می‌باشد. هدف از تحقیق حاضر طراحی الگوی توسعه دیپلماسی فرهنگی ج.ا. ایران در قبال کشورهای فارسی زبان با تاکید بر نقش زبان و ادبیات فارسی بود. روش تحقیق حاضر از نوع کیفی بود. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه صاحب نظران و کارشناسان در حوزه دیپلماسی فرهنگی و روابط بین الملل بود. روش نمونه گیری به صورت هدفمند بود که در مجموع ۱۶ مصاحبه انجام شد. برای تحلیل داده‌ها از نظریه داده بنیاد استفاده شد. یافته‌ها: در کدگذاری باز در مجموع ۶۲ مولفه شناسایی شدند. در مرحله کدگذاری محوری، این مولفه‌ها در قالب "شرایط علی" (عوامل فرهنگی-تاریخی، مولفه زبان و ادبیات فارسی، و عوامل سیاسی)، "عوامل زمینه ای" (عوامل زیرساختی، مالی، قانونی، انگیزشی، و سیاسی-فرهنگی-اجتماعی)، "عوامل مداخله گر" (عوامل بیرونی و درونی)، راهکارها (۲۲ راهکار)، و پیامدها (۷ پیامد) قرار گرفتند. در مرحله کدگذاری نظری، مدل نظری تحقیق طراحی گردید. نتیجه‌گیری: در صورت اجرای صحیح دیپلماسی فرهنگی، پیامدهایی مانند توسعه نفوذ فرهنگی و سیاسی، توسعه روابط تجاری و اقتصادی، و همچنین کم اثر کردن و یا بی اثر کردن تحریم‌های بین‌المللی بر علیه ج.ا. ایران قابل انتظار است. بنابراین، اهتمام در توسعه دیپلماسی فرهنگی ج.ا. ایران در قبال کشورهای فارسی زبان توصیه می‌شود.

کلیدواژه: توسعه، دیپلماسی فرهنگی، ایران، زبان و ادبیات فارسی، کشورهای فارسی زبان.

تاریخ تأیید ۱۴۰۱/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

مقدمه

یکی از وجوه روابط بین الملل، دیپلماسی فرهنگی است که در دوران معاصر از اهمیت به سزایی برخوردار است. فرهنگ بعنوان ذات دیپلماسی و یا روش دیپلماسی محسوب می‌شود و دیپلماسی فرهنگی نمودی است که می‌تواند بعنوان "استقرار فرهنگ یک کشور در حمایت از اهداف سیاست خارجی یا دیپلماسی" تعریف شود (طوفان، ۱۳۹۵، ۱۲۴؛ میرفخرایی و فیروزمندی بندپی، ۱۳۹۶، ۴۳۵). هدف از دیپلماسی فرهنگی تأثیرگذاری بر مخاطب خارجی و استفاده از آن تأثیری که در درازمدت ایجاد می‌شود، بعنوان نوعی کالای جذاب برای جلب حمایت از سیاست‌ها می‌باشد. هدف از دیپلماسی فرهنگی ایجاد نفوذ درازمدت با درگیر کردن مستقیم افراد است، تا زمانی که به آن نیاز است مورد استفاده قرار گیرد. این به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا "بنیان اعتماد" و درک متقابلی را ایجاد کنند که بر اساس تماس مردم با مردم بنا شده است. به طور خلاصه، دیپلماسی فرهنگی بذر آرمان‌ها، ایده‌ها، استدلال‌های سیاسی، برداشت‌های معنوی و دیدگاه کلی از جهان را می‌کارد که ممکن است در یک ملت بیگانه شکوفا شود یا نشود (اسپیکا و آرنارسکا، ۲۰۲۱).

یکی از ابزارهای مهم دیپلماسی فرهنگی زبان و ادبیات می‌باشد. پدیده زبان در طی نسل‌های مختلف و اقوام و ملت‌های مختلف شکل گرفته است و می‌توان آن را بعنوان نمادی از افکار، ایده‌ها و عواطف انسانی به شمار آورد. زبان هر کشوری ریشه در فرهنگ آن کشور دارد و مبین فرهنگ و تاریخ و ادبیات آن کشور است. از این رو، شاید بتوان ادعا کرد که زبان مهم‌ترین ابزار دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم یک کشور است و می‌تواند نقش مهمی در پرستیژ سیاسی، فرهنگی، و افزایش قدرت نرم جایگاه دیپلماسی فرهنگی آن کشورها ایفا نماید (حاجیان، ۱۳۹۴، ۹-۸؛ رضایی مهر و همکاران، ۱۳۹۹، ۶۷-۶۸؛ شهسواری فرد، ۱۳۹۶، ۳۰؛ هرناندز، ۲۰۱۸، ۲۸). بنابراین، دولت‌های مختلف سعی دارند تا حمایت از زبان ملی را به عنوان یکی از اولویت‌ها و راهبردهای سیاسی و فرهنگی کشور خود در داخل و خارج از کشور قرار دهند. همچنین، در کنار زبان، ادبیات نیز می‌تواند برای دیپلماسی فرهنگی کار کند، زیرا به خوانندگان اجازه می‌دهد کشورهای خارجی یا فرهنگ‌های خارجی را در ذهن خود مجسم کنند (شهسواری فرد، ۱۳۹۶، ۳۰).

یکی از اهداف اساسی دیپلماسی فرهنگی ج.ا. ایران در سال‌های اخیر، خنثی کردن دیپلماسی فرهنگی کشورهای رقیب و کشورهای است که با اسلام هراسی، ایران هراسی، برجسته کردن و خطرناک جلوه دادن گسترش نفوذ شیعیان در منطقه، سعی در مخدوش نمودن چهره جمهوری اسلامی داشته اند (غفاری قدیر و همکاران، ۱۳۹۶، ۹۳-۹۴). در این شرایط، بروز اقدامات و تلاش‌های دیپلماتیک ضروری است تا بتوانند ایران هراسی را در سطح بین‌الملل کاهش دهند و یا حتی از بین ببرند. در این بین، یکی از استراتژیهای جمهوری اسلامی ایران برای انجام اقدامات دیپلماتیک در سطح بین‌المللی می‌تواند استفاده از دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم باشد (دی ماتینو، ۲۰۲۰؛ نای، ۲۰۰۴؛ ۲۰۲۱، ۲۰۲۲). با توجه به پیشینه غنی و پر بار زبان و ادبیات فارسی، می‌توان بیان داشت که مهم‌ترین ابزار دیپلماسی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران زبان و ادبیات فارسی می‌باشد. زبان فارسی زبانی است که به پشتوانه ادبیات سترگ آن بعنوان یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های هویت ایرانیان در گذر تاریخ، بستر انتقال دانش بشری و شکوفایی حوزه وسیعی از تمدن‌ها بوده است. فارسی یک زبان چندکانونی و زبان رسمی کشورهای ایران و تاجیکستان و افغانستان به‌شمار می‌رود که باعث به وجود آمدن پیوندهای عمیق فرهنگی و اجتماعی بین این سه کشور شده است (حاجیان، ۱۳۹۴، ۸-۹؛ رضایی مهر و همکاران، ۱۳۹۹، ۶۷-۶۸).

با توجه به مطالب یاد شده، حوزه کشورهای زبان، فرهنگ و تمدن فارسی شامل ایران، افغانستان و تاجیکستان، می‌بایست بطور مشترک و با دیپلماسی مدون در راستای حفظ اصالت این فرهنگ غنی و تاریخی به صورت برنامه ریزی شده کار کنند. در این بین، جمهوری اسلامی ایران بعنوان یک کشور محوری می‌تواند نقش مهمی در گسترش روابط علمی و فرهنگی با دو کشور فارسی زبان شامل افغانستان و تاجیکستان داشته باشد. با اینحال، در طی سالهای گذشته اقدامات مناسبی برای شکل‌گیری سازمانهای مشترکی بر مبنای زبان فارسی صورت نگرفته است. همچنین، خلا تحقیقاتی در زمینه طراحی یک الگوی مناسب برای دیپلماسی فرهنگی ج.ا. ایران با تاکید بر نقش زبان و ادبیات فارسی احساس می‌شود. بنابراین، هدف از تحقیق حاضر طراحی یک الگو برای توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی زبان (افغانستان و تاجیکستان) با تاکید بر نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی بود. در این تحقیق، با رویکرد تحقیقات کیفی درصدد پاسخ به سوالاتی مانند شرایط علی، عوامل موثر و مداخله‌گر در پیشبرد و

توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی زبان (افغانستان و تاجیکستان) با تاکید بر نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی چیستند؟ همچنین، چه راهکارهایی برای توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی زبان (افغانستان و تاجیکستان) با تاکید بر نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی وجود دارند و چه پیامدهایی را می‌توان متصور شد؟

۲) پیشینه تحقیق

اژدردی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق به ارائه یک مدل برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پرداختند. در این تحقیق، مدل طراحی شده برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران شامل سه بعد زمینه‌ای، قانونی و اجرایی بود. در این ابعاد، بر اقدامات بهبود شاخص‌های آموزش، فرهنگ، ارتباطات، سیاست عمومی دولت، حکمرانی خوب و حقوق فرهنگی، تاکید شد. در بعد اجرایی این مدل بر روی ارتقاء شاخص‌های تجارت و سرمایه‌گذاری فرهنگی و نیز ارتقاء سطح مشارکت و همکاری‌های بین‌المللی و استفاده از ظرفیت‌های نوین اطلاعات و ارتباطات به خصوص افزایش حضور فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزاری کارآمد و موثر برای بهبود تصویر کشور در سطح بین‌الملل و افزایش ضریب نفوذ فرهنگی و ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان تاکید شد.

شهبواری فرد (۱۳۹۶) به بررسی ضرورت تا واقعیت نقش ادبیات و زبان در دیپلماسی فرهنگی پرداخت. وی اشاره کرد که فرهنگ یا دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک قدرت نرم در حوزه سیاست خارجی کشورها اثرگذار می‌باشد. در واقع، خصوصیات منحصر به فرد فرهنگی ملتها به بیرون از کشور عرضه می‌شود و می‌تواند روابط بین کشورها را در سطوح دوجانبه و چندجانبه تحت تاثیر قرار دهد. این نوع از دیپلماسی به دولت‌ها و ملتها اجازه می‌دهد که با تکیه بر ظرفیتهای فرهنگی خود علاوه بر نفوذ بر دولت‌ها، بر ملتها نیز نفوذ پیدا کند. در این بین زبان و ادبیات می‌توانند به عنوان یک متغیر مهم بر رهیافت دیپلماسی فرهنگی اثرگذار باشد. باینحال، در زمینه زبان و ادبیات فارسی، متأسفانه هنوز اقدامی درخور، برای مدیریت توسعه و گسترش زبان و ادبیات فارسی بعنوان یکی از مولفه‌های اصلی فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی صورت نگرفته است.

سلیمی بنی و مجاور شیخان (۱۳۹۲) به بررسی جایگاه دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی کشورها پرداختند. در این تحقیق، نویسندگان در بخشی از مقاله به بررسی

ابزارهای دیپلماسی فرهنگی اشاره کردند و به عنصر زبان و ادبیات کشور به عنوان یک پتانسیل نهفته برای برقراری دیپلماسی فرهنگی اشاره کردند. در این تحقیق نویسندگان نتیجه گرفتند که در جهان کنونی به تبع تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات، عرصه فرهنگی جوامع بیش از دیگر عرصه ها تحت تاثیر قرار گرفته، متحول شده و این تحول به لحاظ تاثیر رفتار انسانی از آموزه‌ها و عناصر فرهنگی، سبب تحول در کلیه عرصه های زندگی بشری می‌شود. همچنین ارزشهای فرهنگی که با ذات و فطرت بشری منطبق باشند و برای ارزش‌های انسانی احترام قائل شوند، می‌توانند مسیر سیاست را برای رویه‌های دیپلماتیک باز کنند.

جوادی ارجمند و اسمعیلی (۱۳۹۱) به بررسی نقش دیپلماسی عمومی در قبال کشورهای فارسی زبان شامل افغانستان و تاجیکستان پرداختند. ایشان بیان کردند به کارگیری دیپلماسی عمومی در جمهوری اسلامی ایران نسبت به کشورهای افغانستان و تاجیکستان توانسته است تاثیرات مثبتی را بر روی روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با این کشورهای داشته باشد. در این تحقیق، نویسندگان با بررسی شاخص‌های برقراری روابط دیپلماتیک، رفت و آمد متقابل هیات‌های سیاسی، مواضع مشترک سیاسی، مبادلات اقتصادی و تجاری و رفت و آمد متقابل هیات‌های علمی و فرهنگی دریافتند که با توجه به تفاوت‌های نظام‌های سیاسی حاکم بر این کشورها، دیپلماسی عمومی مانع قطع این روابط شده است و حتی توانسته است که این روابط را تقویت کند. در این بین، پیوندهای تاریخی، زبانی، تمدنی، مذهبی، و فرهنگی بین ایران و کشورهای افغانستان و تاجیکستان نقش بسزایی داشته‌اند.

انیفوق و ماکوتلا (۲۰۲۰) به بررسی پویایی صادرات فرهنگی، که از آن به عنوان "دیپلماسی فرهنگی" یاد کردند، و تأثیر آن به عنوان الگویی برای قدرت نرم در سیستم جهانی پرداختند. ایشان به دیپلماسی فرهنگی به عنوان نوعی از قدرت نرم از طریق برقراری ارتباط در عرصه جهانی و همچنین الگوی تعامل و مبادله برای ایجاد تبادل نظرات و ایده‌هایی که موجب ارتقا دانش سایر فرهنگ‌ها و ایجاد پل ارتباطی بین جوامع مردم می‌شود، اشاره کردند. سرانجام، دیپلماسی فرهنگی درصدد دستیابی به نفوذ فرهنگی به عنوان شکل جدیدی از قدرت نرم می‌باشد که می‌خواهد چشم‌انداز مثبتی از تنوع فرهنگی را ارتقا بخشد. انیفوق و ماکوتلا (۲۰۲۰) استدلال کردند که دیپلماسی فرهنگی به عنوان منبعی برای نوآوری، تبادل ایده و همزیستی مسالمت‌آمیز مطرح شده

است. برای دیپلماسی فرهنگی ابزارهایی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به موسیقی، تئاتر، ادبیات، حرکات موزون، نقاشی یا فیلم اشاره کرد. این مطالعه نتیجه گرفت که برای ارتقا همزیستی مسالمت آمیز از طریق تبادل فرهنگی، کشورها باید یک چارچوب استراتژیک براساس فعالیتهای فرهنگی در سطح محلی و ملی تعریف کنند.

اگرچه این تحقیقات دانش ما را پیرامون دیپلماسی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران افزایش داده اند، اما تحقیقی که به طراحی یک الگوی خاص برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی زبان و با تاکید بر نقش زبان و ادبیات فارسی پرداخته باشد، وجود ندارد. بنابراین، هدف از تحقیق حاضر پرکردن این خلا تحقیقاتی با طراحی یک الگو برای توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی زبان (افغانستان و تاجیکستان) با تاکید بر نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی بود.

۳) چارچوب نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

دیپلماسی فرهنگی: اصطلاح «دیپلماسی فرهنگی» امروزه در سیاست خارجی دولت-ملت و همچنین در گفتمان فرهنگی به چشم می‌خورد. دیپلماسی فرهنگی ترکیبی از مسائل فرهنگی و رفتارهای دیپلماتیک است که به نظر می‌رسد بیشتر یک ایده یا مفهوم انتزاعی باشد. فرهنگ به عنوان ذات دیپلماسی و یا روش دیپلماسی محسوب می‌شود و دیپلماسی فرهنگی نمودی است که می‌تواند به عنوان "استقرار فرهنگ یک کشور در حمایت از اهداف سیاست خارجی یا دیپلماسی" تعریف شود. بارغورن دیپلماسی فرهنگی را به عنوان "دستکاری در مفاد و پرسنل فرهنگی برای اهداف تبلیغاتی، و شاخه‌ای از تبلیغات بین دولتی" تعریف کرد (طوفان، ۱۳۹۵، ۱۲۴). با گذشت زمان، در دوره معاصر، میلتن کامینگز، دانشمند آمریکایی علوم سیاسی، دیپلماسی فرهنگی را چنین تعریف می‌کند: تبادل ایده، اطلاعات، هنر و سایر جنبه‌های فرهنگ در میان ملت‌ها و مردم آنها به منظور تقویت درک متقابل، که همچنین می‌تواند بیشتر یک خیابان یک طرفه باشد تا یک مبادله دو طرفه، مانند زمانی که یک ملت تلاش خود را بر روی ترویج زبان ملی، توضیح سیاست‌ها و دیدگاه‌های خود یا "تعریف داستان خود" برای بقیه جهان متمرکز می‌کند. در تاریخ نگاری فعلی، جسیکا ژینو-هخت و مارک دونفرید اتفاق نظر دارند که "دیپلماسی فرهنگی اغلب نشان دهنده یک سیاست ملی

است که برای حمایت از صادرات نمونه های نمایشی فرهنگ ملی به منظور پیشبرد اهداف سیاست خارجی طراحی شده است" (سیمبر و مقیمی، ۱۳۹۴، ۹).

۲-۳. مبانی نظری

نظریه قدرت نرم: از جمله مفاهیم بنیادینی که هر دو حوزه نظریه و عمل سیاسی را در گستره روابط بین الملل تحت تاثیر قرار داده است، مفهوم "قدرت نرم" است. قدرت نرم از جذابیت فرهنگ، ایده آل های سیاسی و سیاست های یک کشور ناشی می شود (نای، ۲۰۰۴، ۲۰۲۱، ۲۰۲۲). قدرت نرم شکلی از قدرت ملی است که مبتنی بر جذابیت فکری و فرهنگی است که عمداً یا ناخواسته توسط بازیگران روابط بین الملل برای دستیابی به الزامات استراتژیک مورد استفاده قرار می گیرد. بسیاری از کشورها اهمیت استفاده از ابزارها و منابع قدرت نرم را برای مشارکت در سیاست رقابتی جذب، مشروعیت و اعتبار درک کرده اند. زیرا سازگاری با ارزش ها و منافع سایر کشورها می تواند به اندازه اعمال قدرت سخت برای دستیابی به اهداف مورد نظر یک ملت مهم باشد (دی مارتینو، ۲۰۲۰؛ اینایفوق و ماخوتلا، ۲۰۲۰).

نظریه قدرت نرم اولین برای توسط جوزف نای در سال ۱۹۹۰ مطرح شد (نای، ۲۰۰۴). از نظر نای، قدرت، توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران برای رسیدن به نتایجی است که می خواهد، است. در قدرت نرم به جای وادار کردن مردم، آنها را همراه می کنند. می توان آن را با "قدرت سخت"، که استفاده از اجبار و پرداخت است، مقایسه کرد (دی مارتینو، ۲۰۲۰). قدرت نرم نه تنها توسط دولت ها بلکه توسط همه بازیگران در سیاست بین الملل مانند سازمان های غیر دولتی یا نهادهای بین المللی استفاده می شود. به گفته نای، قدرت نرم یک کشور بر سه منبع استوار است: (۱) فرهنگ، (۲) ارزش های سیاسی، و (۳) اقتصاد. یک کشور ممکن است نتایجی را که می خواهد در سیاست جهانی به دست آورد، زیرا سایر کشورها - با تحسین ارزش های آن، الگوبرداری از آن، آرزوی رسیدن به سطح رفاه و فضای باز - می خواهند از آن پیروی کنند. از این نظر، کشورها باید کشورهای دیگر را جذب کنند، و نه با تهدید به نیروی نظامی یا تحریم اقتصادی آنها را مجبور به تغییر کنند.

۴) روش شناسی تحقیق

در تحقیق حاضر برای دستیابی به یک مدل مفهومی جامع در مورد عوامل موثر بر توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی زبان و با

تاکید بر نقش زبان و ادبیات فارسی مراحل زیر طی شد. ابتدا با استفاده از نظریه داده بنیاد به شناسایی عوامل موثر بر توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی زبان و با تاکید بر نقش زبان و ادبیات فارسی پرداخته شد. این روش جهت به دست آوردن داده های پر محتوا و در جهت آشکارسازی فرآیندهای نهفته در تعاملات فرهنگی بین کشورها به کار می رود و پژوهشگر به تولید فهمی از یک فرآیند که به موضوعی واقعی مربوط است، مبادرت می ورزد. نظریه داده بنیاد با پارادایم های متعدد و رویکردهای گوناگونی مورد بهره برداری قرار می گیرد که مهم ترین آنها عبارتند از: رویکرد استراوس کوربین یا نظام مند، رویکرد گلنزر یا برآینده و رویکرد ساختارگرایانه. این تحقیق رویکرد بر آینده و یا همان رویکرد گلنزر را دنبال نموده است چرا که این رویکرد الگوهای گسترده تر و متنوعتری را جهت تلفیق داده ها ارائه می دهد. در واقع این رویکرد به جای تحمیل نظریه به داده ها، نظریه ها را از بطن داده ها کنکاش می کند و نسبت به دو رویکرد دیگر غیرساختاریافته تر است. شیوه کدگذاری گلنزر شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری نظری می باشد (گلنزر، ۲۰۰۸). در تحقیق حاضر، از طریق این شیوه و مصاحبه ها مدل نهایی ترسیم شد. این تحقیق از نظر هدف جزء تحقیقات کاربردی و از نظر شیوه اجرا جزء تحقیقات کیفی بود. جامعه آماری این پژوهش با توجه به نوع تحقیق که در مورد دیپلماسی فرهنگی بود، شامل کلیه صاحب نظران و کارشناسان در حوزه دیپلماسی فرهنگی و روابط بین الملل و اعضای هیات علمی رشته روابط بین الملل بود. روش نمونه گیری به صورت هدفمند بود که در مجموع ۱۶ مصاحبه انجام شد تا داده ها به اشباع نظری رسید. تمامی مصاحبه ها به صورت حضوری برگزار شد و میانگین زمان انجام هر مصاحبه ۵۰ دقیقه بود. سوالات مصاحبه به صورت نیمه ساختار یافته بود و هفت سوال کلی (شامل ۱- دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را در حال حاضر در چه جایگاهی می بینید و چطور ارزیابی می کنید؟ ۲- آیا زبان و ادبیات فارسی در توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد؟ ۳- چه ضرورتی برای توسعه دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران از طریق زبان و ادبیات فارسی وجود دارد؟ ۴- به نظر شما چه عواملی یا شرایطی بر توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از زبان و ادبیات فارسی موثر هستند و می توانند به گسترش آن منجر شوند؟ ۵- به نظر شما چه عواملی یا شرایطی می توانند در توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از زبان و ادبیات فارسی

تداخل ایجاد کنند و از توسعه آن جلوگیری کنند؟ ۶- به نظر شما چه راهبردهایی برای توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از زبان و ادبیات فارسی وجود دارد؟ ۷- در صورت اجرای راهبردهایی که مطرح کردید، چه پیامدهایی را پیش بینی می کنید؟ پرسیده شد، تمامی مصاحبه‌ها ضبط و بلافاصله ثبت و کدگذاری شدند و برای تعیین اعتبار کدگذاری از شخص دومی برای کدگذاری استفاده شد و میزان مطابقت دو کدگذار به عنوان کدهای نهایی تأیید شده و وارد تحقیق شدند. روش تحلیل داده‌ها با استفاده از نظریه داده بنیاد و رویکرد گلنزر استفاده شد.

۵) یافته‌ها

۱-۵. ویژگی‌های آزمودنی‌ها

در جدول ۱، اطلاعات جمعیت شناختی آزمودنی‌های تحقیق (افراد مصاحبه شونده) آورده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، شش نفر از آزمودنی‌ها از اعضای هیات علمی دانشگاه بودند، هفت نفر از آنها از اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در دوره یازدهم و سه نفر از آنها از اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در دوره یازدهم بودند. تمامی مصاحبه‌شوندگان (به جز یک نفر) دارای مدرک دکتری تخصصی بودند. بعلاوه، ۹ نفر از مصاحبه‌شوندگان در رشته روابط بین‌الملل تخصص داشتند، پنج نفر از آنها دارای تخصص در رشته علوم سیاسی بودند، یک نفر در رشته فرهنگ و تمدن اسلامی، و یک نفر هم در رشته فلسفه تخصص داشت.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی آزمودنی‌های تحقیق (افراد مصاحبه شونده)

آزمودنی	سمت	سابقه	رشته تحصیلی	تحصیلات
نفر اول	عضو هیات علمی	۱۸ سال	روابط بین‌الملل	دکتری تخصصی
نفر دوم	عضو هیات علمی	۲۰ سال	روابط بین‌الملل	دکتری تخصصی
نفر سوم	عضو هیات علمی	۱۴ سال	روابط بین‌الملل	دکتری تخصصی
نفر چهارم	عضو هیات علمی	۱۰ سال	روابط بین‌الملل	دکتری تخصصی
نفر پنجم	عضو هیات علمی	۱۲ سال	روابط بین‌الملل	دکتری تخصصی
نفر ششم	عضو هیات علمی	۱۵ سال	روابط بین‌الملل	دکتری تخصصی

کارشناسی ارشد	علوم سیاسی	۲ سال	عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی	نفر هفتم
دکتری تخصصی	روابط بین الملل	۲ سال	عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی	نفر هشتم
دکتری تخصصی	علوم سیاسی	۲ سال	عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی	نفر نهم
دکتری تخصصی	روابط بین الملل	۲ سال	عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی	نفر دهم
دکتری تخصصی	علوم سیاسی	۲ سال	عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی	نفر یازدهم
دکتری تخصصی	علوم سیاسی	۲ سال	عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی	نفر دوازدهم
دکتری تخصصی	روابط بین الملل	۲ سال	عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی	نفر سیزدهم
دکتری تخصصی	فرهنگ و تمدن اسلامی	۲ سال	عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی	نفر چهاردهم
دکتری تخصصی	علوم سیاسی	۲ سال	عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی	نفر پانزدهم
دکتری تخصصی	فلسفه	۲ سال	عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی	نفر شانزدهم

منبع: نگارنده

۵-۲. کدگذاری مصاحبه‌ها

۵-۲-۱. کدگذاری باز

کدگذاری باز فرآیندی است که در آن داده‌ها به صورت واحدهای معنادار مجزا در می‌آیند و در شروع تحلیل مصاحبه‌ها می‌توان از آن استفاده کرد. هدف اصلی کدگذاری باز، مفهوم‌سازی و برچسب زدن به داده‌های مصاحبه‌ها می‌باشد. در جریان کدگذاری باز، محقق به خرد کردن، تحلیل، مقایسه، برچسب زدن و مقوله‌سازی داده‌های مصاحبه می‌پردازد. بر اساس رویکرد گلیزر، کدگذاری باز تا زمانی انجام می‌شود که اثرات ظهور مقوله محوری نمودار شود، تا بدین ترتیب در مرحله بعدی یعنی مرحله کدگذاری انتخابی، کدگذاری بر اساس این مقوله هدایت شود (گلیزر، ۲۰۰۸). با توجه به مطالب ذکر شده، اثرات مقوله محوری، پس از کدگذاری مصاحبه چهاردهم پدید آمد. در جدول ۲، کدهای استخراج شده در مرحله کدگذاری باز نمایش داده شد.

جدول ۲. گویه‌های استخراج شده در مرحله کدگذاری باز

شماره	کد	شماره	کد
۱	تاریخ کهن ایران	۲	پشتوانه سترگ زبان و ادبیات فارسی
۳	فرهنگ کهن و غنی ایرانی-اسلامی	۴	وجود اشتراکات زبانی با همسایگان فارسی زبان
۵	وجود اشتراکات فرهنگی با همسایگان فارسی زبان	۶	وجود اشتراکات دینی با همسایگان فارسی زبان
۷	اثرپذیری بالای کشورهای فارسی زبان از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران	۸	حضور شهروندان زیادی از کشورهای فارسی زبان در جمهوری اسلامی ایران
۹	ظرفیت بالای علمی، اقتصادی، سیاسی، رسانه ای، و نظامی جمهوری اسلامی ایران	۱۰	زیر ساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در جمهوری اسلامی ایران برای توسعه دیپلماسی فرهنگی
۱۱	وجود امکانات و زیرساخت‌های لازم در سازمان‌های متولی توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان	۱۲	اراده و انگیزه جمهوری اسلامی ایران برای توسعه دیپلماسی فرهنگی با کشورهای فارسی زبان
۱۳	وجود منابع مالی در اختیار وزارت امور خارجه برای توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	۱۴	وجود مراجع قانونگذاری برای توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان
۱۵	شناخت صحیح از قوانین موجود در کشورهای فارسی زبان	۱۶	شناخت صحیح از وضعیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی کشورهای فارسی زبان
۱۷	فرهنگ گردشگری ایرانیان	۱۸	فرهنگ نوع دوستی ایرانیان
۱۹	دغدغه توسعه دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر زبان و ادبیات فارسی در کارگزاران دیپلماسی در جمهوری اسلامی ایران	۲۰	تحریم‌های بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران
۲۱	عدم وجود مبادلات رسمی بانکی و پولی بین ایران و کشورهای فارسی زبان	۲۲	فقدان اعتماد به کارگزاران و رایزن‌های فرهنگی سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان
۲۳	نفوذ کشورهای غربی در فرهنگ و سیاست کشورهای فارسی زبان	۲۴	عدم وجود حمایت‌های مالی مستمر از سازمان‌های فرهنگی و هنری ایرانی در کشورهای فارسی زبان
۲۵	عدم تعامل سازمان‌های دولتی و خصوصی متولی برای فرهنگ و ادب فارسی در کشورهای فارسی زبان	۲۶	عدم اختصاص زیرساخت‌های وزارت امور خارجه برای برقراری تعاملات فرهنگی بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای فارسی زبان

۲۷	وجود مشکلات زیرساختی برای گردشگری در شهرهای ایران (از جمله ویزا، عدم وجود استانداردهای توریستی در برخی شهرهای ایران)	۲۸	عدم علاقه مدیران ارشد فرهنگی و سیاسی کشور برای برقراری تبادلات فرهنگی با کشورهای فارسی زبان
۲۹	عدم علاقه مدیران مالی کشور برای ایجاد منابع مالی جدید جهت توسعه مبادلات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای فارسی زبان	۳۰	فرایندهای ناکارآمد سازمانی و اداری جهت پیشبرد مبادلات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای فارسی زبان
۳۱	مهارت پایین مدیران در برقراری مبادلات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای فارسی زبان	۳۲	عدم حمایت از بخش خصوصی جهت پیشبرد امور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان
۳۳	عدم وجود برنامه ریزی زمانی کوتاه مدت، میان مدت، و بلند مدت جهت توسعه مبادلات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای فارسی زبان	۳۴	ایجاد کمیته های تخصصی دیپلماسی فرهنگی
۳۵	سیاست گذاری صحیح در برنامه توسعه زبان فارسی	۳۶	هم افزایی سازمان های متولی توسعه دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر زبان و ادبیات فارسی
۳۷	تسهیل و توسعه گردشگری بین ملتهای کشورهای فارسی زبان	۳۸	تسهیل و توسعه گردشگری الکترونیکی
۳۹	تشکیل موسسات و سازمانهای ادبی و فرهنگی مشترک	۴۰	تالیف کتب درسی و دانشگاهی به زبان فارسی برای کشورهای فارسی زبان
۴۱	مبادلات علمی و دانشجویی با کشورهای فارسی زبان	۴۲	ایجاد سازمانهای علمی مشترک بین کشورهای فارسی زبان
۴۳	برپایی نمایشگاه های ادبی و هنری در کشورهای فارسی زبان به صورت حضوری و مجازی	۴۴	راه اندازی و تقویت رسانه های شنیداری، دیداری، و مجازی برای مردم کشورهای فارسی زبان
۴۵	ایجاد شبکه های مجازی فعال بین سازمان ها و ملت کشورهای فارسی زبان	۴۶	توسعه رایزنهای فرهنگی در سفارت خانه های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان
۴۷	پرورش دیپلماتهای برجسته در زمینه فرهنگی	۴۸	کاهش تضادها و تنشهای سیاسی و ترویج فضای صلح و دوستی بین کشورهای فارسی زبان
۴۹	قراردادن دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک ابزار مهم در سیاست خارجی وزارت امور خارجه	۵۰	افزایش رویدادهای دوجانبه و چندجانبه بین کشورهای فارسی زبان

۵۱	حمایت و پشتیبانی بیشتر از رایزنان و موسسات ادبی و فرهنگی در کشورهای فارسی زبان	۵۲	افزایش قدرت نفوذ سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان
۵۳	ایجاد استانداردها و دستورالعمل‌های جامع در کشور جهت حمایت و مدیریت امور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان	۵۴	حمایت قانونگذاران از سازمانهای دولتی و خصوصی فعال در پیشبرد امور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان
۵۵	ایجاد مشوق‌هایی برای برقراری مبادلات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای فارسی زبان	۵۶	توسعه و گسترش نفوذ زبان و ادبیات فارسی
۵۷	گسترش نفوذ فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان	۵۸	بهبود شرایط تجارت با کشورهای فارسی زبان
۵۹	اثرپذیری بیش از پیش کشورهای فارسی زبان از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران	۶۰	کم‌اثر کردن و یا بی‌اثر کردن ایران هراسی و نفوذ شیعیان در افکار عمومی منطقه و جهان
۶۱	کم‌اثر کردن و یا بی‌اثر کردن های بین‌المللی	۶۲	افزایش ظرفیت متقاعدسازی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان

منبع: نگارنده

۵-۲-۲. کدگذاری محوری

در کدگذاری محوری، تکیه بر مشخص کردن یک پدیده با در نظر گرفتن شرایطی که به ایجاد آن می‌انجامد قرار دارد و آن شرایط عبارت است از زمینه‌ای که مقوله در آن واقع شده است، استراتژی‌های کنش/کنش متقابل که به آن وسیله، مقوله اداره و کنترل می‌شود و به انجام می‌رسد و پیامدهای آن راهبردها. کدگذاری محوری با ظهور مقوله محوری در مرحله کدگذاری باز، آغاز می‌شود. در این مرحله کدگذاری‌ها حول این مقوله صورت می‌گیرد. بنابراین در ادامه کدگذاری داده‌های مصاحبه‌ها حول مقوله محوری استخراج شده در مرحله کدگذاری باز صورت گرفت. جدول شماره ۳، کدها و مفاهیم به دست آمده در این مرحله آورده شده است.

جدول ۳. محورها و کدهای مربوطه در مرحله کدگذاری محوری

مقولات	محورهای کلی
عوامل فرهنگی-تاریخی تاریخ کهن ایران فرهنگ کهن و غنی ایرانی-اسلامی وجود اشتراکات فرهنگی با همسایگان فارسی زبان	شرایط علی

<p>وجود اشتراکات دینی با همسایگان فارسی زبان</p> <p>مؤلفه زبان و ادبیات فارسی</p> <p>پشتوانه سترگ زبان و ادبیات فارسی</p> <p>وجود اشتراکات زبانی با همسایگان فارسی زبان</p> <p>عوامل سیاسی</p> <p>اثربرداری بالای کشورهای فارسی زبان از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران</p> <p>حضور شهروندان زیادی از کشورهای فارسی زبان در جمهوری اسلامی ایران</p> <p>ظرفیت بالای علمی، اقتصادی، سیاسی، رسانه‌ای، و نظامی جمهوری اسلامی ایران</p>	
<p>عوامل زیرساختی</p> <p>زیر ساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در جمهوری اسلامی ایران برای توسعه دیپلماسی فرهنگی</p> <p>وجود امکانات و زیرساخت‌های لازم در سازمانهای متولی توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان</p> <p>عوامل مالی</p> <p>وجود منابع مالی در اختیار وزارت امور خارجه برای توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران</p> <p>عوامل قانونی</p> <p>وجود مراجع قانونگذاری برای توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان</p> <p>شناخت صحیح از قوانین موجود در کشورهای فارسی زبان</p> <p>عوامل انگیزشی</p> <p>اراده و انگیزه جمهوری اسلامی ایران برای توسعه دیپلماسی فرهنگی با کشورهای فارسی زبان</p> <p>دغدغه توسعه دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر زبان و ادبیات فارسی در کارگزاران دیپلماسی در جمهوری اسلامی ایران</p> <p>عوامل سیاسی-فرهنگی-اجتماعی</p> <p>شناخت صحیح از وضعیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی کشورهای فارسی زبان</p> <p>فرهنگ گردشگری ایرانیان</p> <p>فرهنگ نوع دوستی ایرانیان</p>	<p>عوامل زمینه‌ای</p>
<p>عوامل بیرونی</p> <p>تحریمهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران</p> <p>عدم وجود مبادلات رسمی بانکی و پولی بین ایران و کشورهای فارسی زبان</p> <p>نفوذ کشورهای غربی در فرهنگ و سیاست کشورهای فارسی زبان</p> <p>عوامل درونی</p>	<p>عوامل مداخله‌گر</p>

<p>فقدان اعتماد به کارگزاران و رایزنهای فرهنگی سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان عدم وجود حمایتهای مالی مستمر از سازمانهای فرهنگی و هنری ایرانی در کشورهای فارسی زبان عدم تعامل سازمانهای دولتی و خصوصی متولی برای فرهنگ و ادب فارسی در کشورهای فارسی زبان عدم اختصاص زیرساختهای وزارت امور خارجه برای برقراری تعاملات فرهنگی بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای فارسی زبان وجود مشکلات زیر ساختی برای گردشگری در شهرهای ایران (از جمله ویزا، عدم وجود استانداردهای توریستی در برخی شهرهای ایران) عدم علاقه مدیران ارشد فرهنگی و سیاسی کشور برای برقراری تبادلات فرهنگی با کشورهای فارسی زبان عدم علاقه مدیران مالی کشور برای ایجاد منابع مالی جدید جهت توسعه مبادلات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای فارسی زبان فرایندهای ناکارآمد سازمانی و اداری جهت پیشبرد مبادلات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای فارسی زبان مهارت پایین مدیران در برقراری مبادلات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای فارسی زبان عدم حمایت از بخش خصوصی جهت پیشبرد امور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان عدم وجود برنامه ریزی زمانی کوتاه مدت، میان مدت، و بلند مدت جهت توسعه مبادلات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای فارسی زبان</p>	
<p>ایجاد کمیته های تخصصی دیپلماسی فرهنگی سیاست گذاری صحیح در برنامه توسعه زبان فارسی هم افزایی سازمان های متولی توسعه دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر زبان و ادبیات فارسی تسهیل و توسعه گردشگری بین ملتهای کشورهای فارسی زبان تسهیل و توسعه گردشگری الکترونیکی تشکیل موسسات و سازمانهای ادبی و فرهنگی مشترک تالیف کتب درسی و دانشگاهی، به زبان فارسی، برای کشورهای فارسی زبان مبادلات علمی و دانشجویی با کشورهای فارسی زبان ایجاد سازمانهای علمی مشترک بین کشورهای فارسی زبان برپایی نمایشگاه های ادبی و هنری در کشورهای فارسی زبان به صورت حضوری و مجازی راه اندازی و تقویت رسانه های شنیداری، دیداری، و مجازی برای مردم کشورهای فارسی زبان ایجاد شبکه های مجازی فعال بین سازمان ها و ملت کشورهای فارسی زبان</p>	<p>راهبردها</p>

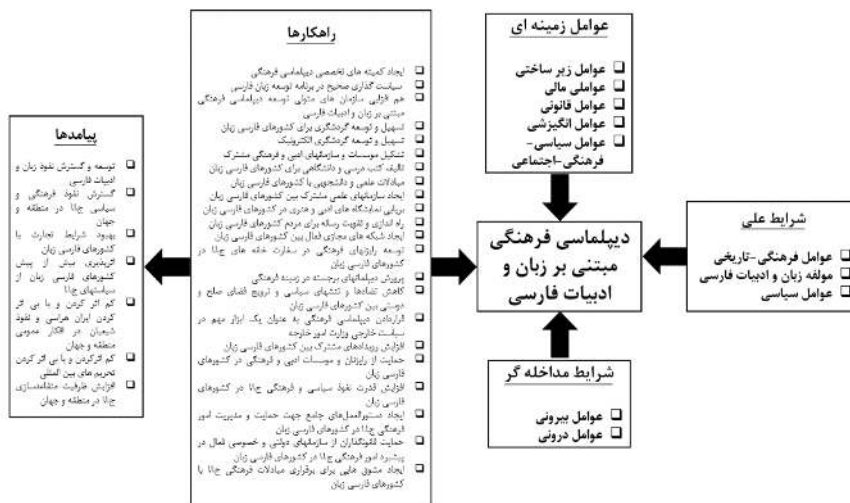
<p>توسعه رایزنهای فرهنگی در سفارت خانه های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان</p> <p>پروژه دیپلماتهای برجسته در زمینه فرهنگی</p> <p>کاهش تضادها و تنشهای سیاسی و ترویج فضای صلح و دوستی بین کشورهای فارسی زبان</p> <p>قراردادن دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک ابزار مهم در سیاست خارجی وزارت امور خارجه</p> <p>افزایش رویدادهای دوجانبه و چندجانبه بین کشورهای فارسی زبان</p> <p>حمایت و پشتیبانی بیشتر از رایزنان و موسسات ادبی و فرهنگی در کشورهای فارسی زبان</p> <p>افزایش قدرت نفوذ سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان</p> <p>ایجاد استانداردها و دستورالعملهای جامع در کشور جهت حمایت و مدیریت امور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان</p> <p>حمایت قانونگذاران از سازمانهای دولتی و خصوصی فعال در پیشبرد امور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان</p> <p>ایجاد مشوق هایی برای برقراری مبادلات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای فارسی زبان</p>	
<p>توسعه و گسترش نفوذ زبان و ادبیات فارسی</p> <p>گسترش نفوذ فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان</p> <p>بهبود شرایط تجارت با کشورهای فارسی زبان</p> <p>اثربخشی بیشتر از پیش کشورهای فارسی زبان از سیاستهای جمهوری اسلامی ایران</p> <p>کم اثر کردن و یا بی اثر کردن ایران هراسی و نفوذ شیعیان در افکار عمومی منطقه و جهان</p> <p>کم اثر کردن و یا بی اثر کردن تحریم های بین المللی</p> <p>افزایش ظرفیت متقاعدسازی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان</p>	<p>پیامدها</p>

منبع: نگارنده

۵-۲-۳. کدگذاری نظری

در مرحله کدگذاری نظری، محقق درصدد یافتن و برقراری ارتباط بین کدها و محورهای استخراج شده در مراحل قبلی کدگذاری (شامل کدگذاری باز و محوری) می باشد. در این فرآیند، روابط کدهای باز و محوری به وسیله تولید فرضیه هایی مفهوم سازی می شوند تا به شکل یک نظریه یکپارچه درآیند. به عبارتی، کدهای نظری به وسیله به هم بافتن مفاهیم شکسته شده به صورت فرضیه ها، نظریه را یکپارچه می کنند.

کدگذاری نظری به این معناست که محقق، مدلی نظری را در مورد داده‌ها کشف می‌کند. مدل نظری استخراج شده در تحقیق حاضر در شکل ۱ آورده شده است.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

۶) بحث

با توجه به نقش بسیار مهم دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم در سیاست خارجی و روابط بین الملل در جهان کنونی، تحقیق حاضر درصدد طراحی یک الگو برای توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان و تاجیکستان با تاکید بر نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی بود. در تحقیق حاضر با استفاده از روش تحقیق کیفی و بر مبنای داده‌های مستخرج از مصاحبه با افراد خبره و آگاه به موضوع تحقیق، یک مدل مفهومی جامع از عوامل موثر بر توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر نقش زبان و ادبیات فارسی طراحی گردید.

نتایج تحقیق نشان داد که بر اساس نظر صاحب نظران، عوامل فرهنگی-تاریخی (مانند تاریخ و فرهنگ کهن و غنی ایرانی-اسلامی و اشتراکات فرهنگی-تاریخی زیاد ایران با افغانستان و تاجیکستان)، عوامل زبان و ادبیات فارسی (مانند پشتوانه سترگ زبان و ادبیات

فارسی و اشتراکات زبانی ایران با افغانستان و تاجیکستان)، و عوامل سیاسی (مانند تاثیرگذاری بالای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای افغانستان و تاجیکستان، وجود شهروندان افغان و تاجیک در ایران، و همچنین توان بالای سیاسی، اقتصادی، علمی، و نظامی ج.ا.ایران) می‌توانند به عنوان مولفه‌هایی باشند که نیاز به توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی زبان (افغانستان و تاجیکستان) با تاکید بر زبان و ادبیات فارسی را توجیه می‌کنند. تحقیقات قبلی نیز به نقش موثر زبان و ادبیات و همچنین مولفه‌های فرهنگی مشترک در دیپلماسی فرهنگی اشاره کرده‌اند (اژدری و همکاران، ۱۳۹۶؛ شهسواری فرد، ۱۳۹۶؛ بیران و پوررشیدی، ۱۳۹۱؛ حاجیان، ۱۳۹۴؛ جوادی ارجمند و اسمعیلی، ۱۳۹۱؛ جعفری و براریان، ۱۳۹۸؛ رضایی مهر و همکاران، ۱۳۹۹؛ سازمند و موسوی، ۱۳۹۹؛ سیمبر و مقیمی، ۱۳۹۴؛ عسگریان و همکاران، ۱۳۹۳؛ غفاری غدیر و همکاران، ۱۳۹۶؛ غوری، ۱۳۹۹؛ قاسم پور مقدم و همکاران، ۱۳۸۹؛ کوهکن و همکاران، ۱۳۹۷؛ ملکیان، ۱۳۹۱).

با در نظر گرفتن مولفه‌های علی موثر بر توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر نقش زبان و ادبیات فارسی، از نظر صاحب‌نظران عوامل متعددی وجود دارند که می‌توانند بر این امر اثرگذار باشند. نتایج نشان داد که عوامل زیر ساختی (مانند فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در جمهوری اسلامی ایران و همچنین سازمانهای متولی پیشبرد دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر زبان و ادبیات فارسی)، عوامل مالی (مانند وجود منابع مالی برای پیشبرد دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر زبان و ادبیات فارسی)، عوامل قانونی (مانند وجود نهادهای قانون گذار برای دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر زبان و ادبیات فارسی و شناخت مناسب از قوانین موجود در کشورهای فارسی زبان)، عوامل انگیزشی (مانند وجود انگیزه و دغدغه لازم در دست اندرکاران برای پیشبرد دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر زبان و ادبیات فارسی)، و عوامل سیاسی-فرهنگی-اجتماعی (مانند شناخت شرایط کشورهای فارسی زبان و وجود فرهنگ گردشگری و نوع دوستی در ایرانیان) بر توسعه دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران با کشورهای فارسی زبان (افغانستان و تاجیکستان) با تاکید بر نقش زبان و ادبیات فارسی اثرگذار هستند. در این بخش، تحقیقات قبلی نشان دادند که عوامل زمینه‌ای، قانونی، و اجرایی مانند شاخص‌های تجارت و سرمایه‌گذاری فرهنگی، مشارکت و همکاری‌های بین‌المللی، ظرفیت‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، و حضور فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی می‌توانند عواملی موثری بر پیشبرد دیپلماسی

فرهنگی باشند (اژدری و همکاران، ۱۳۹۶). در تحقیق حاضر، یافته های جدید را به تحقیقات قبلی اضافه می کند و بیان می کند که به غیر از عوامل زیرساختی، قانونی، و اجرایی، عواملی مانند عوامل انگیزشی، مالی، و سیاسی-فرهنگی-اجتماعی نیز بر پیشبرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی زبان (افغانستان و تاجیکستان) با تاکید بر زبان و ادبیات فارسی می توانند اثرگذار باشند.

در ادامه، برخی عواملی که احتمالاً می توانند بر روند پیشبرد دیپلماسی فرهنگی ج.ا. ایران در قبال کشورهای فارسی زبان (افغانستان و تاجیکستان) با تاکید بر زبان و ادبیات فارسی تداخل ایجاد کنند، شناسایی شدند. نتایج نشان داد که عوامل مداخله گر در توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی زبان (افغانستان و تاجیکستان) با تاکید بر زبان و ادبیات فارسی شامل عوامل بیرونی (مانند تحریم های بین المللی، عدم وجود تبادلات مالی با کشورهای فارسی زبان، و نفوذ کشورهای غربی در کشورهای فارسی زبان) و عوامل درونی (مانند عوامل سازمانی، مالی، مشکلات زیرساختی، عدم اعتماد به کارگزاران، عدم علاقه و جدیت مدیران) بودند. تحقیقات قبلی نیز به عواملی مانند مسائل مالی و سازمانی بعنوان مولفه های مخل در توسعه دیپلماسی فرهنگی اشاره کرده اند (اژدری و همکاران، ۱۳۹۶؛ سلیمی نمین و مجاور شیخان، ۱۳۹۲؛ میرفخرایی و فیروزمندی بند پی، ۱۳۹۶؛ اوسطی و فیضی، ۱۳۹۹). در تفسیر این نتایج می توان بیان داشت که مشکلات مالی و درآمدی موجود در کشور سبب گردیده است تا راهکارهای نوآورانه و خلاقانه ای جهت توسعه دیپلماسی فرهنگی ایجاد گردد. پتانسیل بالای زبان و ادبیات فارسی باعث شده است که از دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر زبان و ادبیات فارسی بعنوان یکی از راهکارهای اجرایی مهم جهت پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی زبان نام برده شود. به عبارتی یکی از مسیرهای مهم توسعه دیپلماسی فرهنگی تمرکز بر حل مسائل مالی می باشد. از طرفی مولفه هایی مانند مشکلات زیرساختی و سازمانی و همچنین عدم انگیزش و علاقه دست اندرکاران می توانند نقش مهمی را در جلوگیری از توسعه دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر زبان و ادبیات فارسی در جمهوری اسلامی ایران ایفا کنند.

با توجه به شناسایی عوامل علی، زمینه ای، و مداخله گر، نتایج حاصل از مصاحبه های انجام شده در تحقیق حاضر نشان داد که برخی راهکارها وجود دارند که در صورت اجرا می توانند باعث توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای

فارسی زبان (افغانستان و تاجیکستان) با تاکید بر زبان و ادبیات فارسی شوند. بنابر نظر صاحبنظران، راهکارها شامل ایجاد کمیته‌های تخصصی و سیاستگذاری صحیح، هم‌افزایی سازمان متولی امر، تسهیل و توسعه گردشگری بین کشورهای فارسی زبان، تالیف کتب درسی مشترک، تبادلات علمی و دانشجویی، تقویت رسانه ای، برپایی نمایشگاه‌ها و رویدادهای مشترک، کاهش تنش‌های سیاسی و افزایش قدرت و نفوذ سیاسی در کشورهای فارسی زبان، حمایت‌های قانونی و ایجاد مشوق‌هایی برای فعالان فرهنگی در کشورهای فارسی زبان، افزایش توان دیپلماتها با تاکید بر امور فرهنگی بودند. تحقیقات قبلی نیز به راهکارهایی مانند بهبود وضعیت رسانه ای و علمی برای توسعه دیپلماسی فرهنگی اشاره کرده‌اند (اخگری، ۱۳۹۹، ۱۴۰۱). برخی تحقیقات نیز به اهمیت تبادلات علمی و فرهنگی بین کشورها جهت پیشبرد دیپلماسی فرهنگی اشاره کرده‌اند (اژدری و همکاران، ۱۳۹۶). با اینحال، در تحقیق حاضر که به طور ویژه دیپلماسی فرهنگی ج.ا. ایران در قبال کشورهای فارسی زبان (افغانستان و تاجیکستان) را با تاکید بر نقش و ادبیات فارسی مورد بررسی قرار داده بود، مولفه‌هایی مانند کاهش تنش‌های سیاسی و هم‌افزایی سازمان‌های داخلی متولی پیشبرد امور فرهنگی در کشورهای فارسی زبان شناسایی شدند. روابط سیاسی ج.ا. ایران با کشورهای فارسی زبان در طی همواره دچار فراز و نشیب‌هایی بوده است که عمدتاً به دلیل نفوذ کشورهای غربی در این کشورها بوده است. بنابراین، با کاهش تنش‌های سیاسی بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای فارسی زبان می‌توان انتظار داشت که نفوذ فرهنگی ایران در این کشورها بیش از پیش شود. در این بین، هم‌افزایی سازمان‌های متولی امر از جمله وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین سازمان‌های گردشگری می‌تواند به پیشبرد دیپلماسی فرهنگی ج.ا. ایران در قبال کشورهای فارسی زبان کمک شایانی کند.

در نهایت، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که در صورت اجرای راهکارهایی که شناسایی شده‌اند، می‌توان پیامدهای مثبتی را برای ج.ا. ایران بیان داشت. بر طبق نظر صاحبنظران، این پیامدها شامل توسعه و گسترش نفوذ فرهنگی ج.ا. ایران با تاکید بر توسعه زبان و ادبیات فارسی در کشورهای فارسی زبان و همچنین کشورهای منطقه، افزایش ظرفیت‌های تجاری و ظرفیت متقاعدسازی ج.ا. ایران در منطقه و جهان، و کم کردن یا بی‌اثر کردن ایران‌هراسی و تحریم‌های ظالمانه بر علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. بدیهی است که در صورت تقویت دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر زبان و ادبیات

فارسی در قبال کشورهای فارسی زبان، می‌توان انتظار داشت که نفوذ فرهنگی ج.ا. ایران در این کشورهای افزایش یابد. در واقع، از نقطه نظر نظریه قدرت نرم (نای، ۲۰۰۴، ۲۰۲۱، ۲۰۲۲)، نفوذ فرهنگی و سیاسی یکی از پیامدهای مهم دیپلماسی فرهنگی می‌باشد. در کنار نفوذ فرهنگی و سیاسی، می‌توان انتظار داشت که توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان می‌تواند مسیر مبادلات اقتصادی و تجاری با این کشورها را هموار کند و منجر به توسعه مبادلات اقتصادی و تجاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه شود که یکی از سیاست‌های مهم دولت‌های مختلف ج.ا. ایران بوده است. در نهایت، توسعه دیپلماسی فرهنگی با کشورهای فارسی زبان می‌تواند به کم اثر کردن و یا بی اثر کردن تحریم‌های ظالمانه ای که در طی سال‌های اخیر توسط کشورهای غربی بر ج.ا. ایران تحمیل شده است و اثرات منفی اقتصادی-سیاسی-اجتماعی زیادی را به بار آورده است، منجر شود. هرچه روابط فرهنگی بین کشورها بیشتر شود و به واسطه آن تبادلات اقتصادی و تجاری افزایش یابد، دولت‌ها به دنبال یافتن راهکارهایی برای برقراری مبادلات مالی تاکید می‌کنند و این باعث می‌شود که تحریم‌ها نیز کم اثر و یا بی اثر شوند. بنابراین، این توسعه دیپلماسی فرهنگی علاوه بر افزایش نفوذ فرهنگی، می‌تواند پیامدهای مهم اقتصادی و سیاسی را نیز به همراه داشته باشد.

۷) نتیجه‌گیری

مدل طراحی شده در تحقیق حاضر نشان می‌دهد که مولفه‌هایی گوناگونی وجود دارند که چرایی ضرورت وجود دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر زبان و ادبیات فارسی را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران توجیه می‌کنند. شرایط زمینه‌ای متعددی نیز وجود دارند که می‌توانند بر روی روند پیشبرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی زبان اثرگذار باشند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به وجود زیرساخت‌های لازم و همچنین فرهنگ گردشگری ایرانیان توجه داشت. با اینحال، عوامل درونی و بیرونی مداخله‌گری نیز وجود دارند که می‌بایست آنها را برطرف کرد و یا در محاسبات توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی زبان در نظر گرفت. صاحب‌نظران در تحقیق حاضر راهکارهایی را ارائه دادند که می‌توانند در صورت اجرا شدن به توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی زبان منجر شود که مهم‌ترین آنها افزایش تبادلات فرهنگی در قالب

نمایشگاه‌ها، نگرش کتب درسی، کاهش تنش‌های سیاسی، و هم افزایش دستگاه‌های متولی پیشبرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی‌زبان می‌باشند. در صورت اجرا، پیامدهایی مانند توسعه نفوذ فرهنگی و سیاسی، توسعه روابط تجاری و اقتصادی، و همچنین کم‌اثر کردن و یا بی‌اثر کردن تحریم‌های بین‌المللی بر علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان انتظار داشت. در نتیجه، اهتمام در توسعه و گسترش دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای فارسی‌زبان به طور اختصاصی و در قبال تمامی کشورهای مستعد به طور کلی مورد توصیه است.

منابع و مأخذ:

- طوفان، مسعود. (۱۳۹۵). جایگاه و ظرفیت سفارت‌خانه‌های مجازی در دیپلماسی نوین. **فصلنامه رسانه**. ۲۷(۲). ۱۲۳-۱۳۸.
- عسگریان، عباسقلی؛ شیرواند، صارم؛ موسوی، میرهادی. (۱۳۹۳). نقش زبان در گفت‌وگو دیپلماتی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**. ۱۹. ۱۶۳-۱۹۸.
- غفاری قدیر، جلال؛ بهستانی، مجید؛ خالدیان، صفرعلی. (۱۳۹۶). **ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با اسلام هراسی**. پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی. ۱۶(۷). ۹۱-۱۳۴.
- غوری، محمد نظر. (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل مشترکات فرهنگی ایران و افغانستان. ششمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران. دانشگاه تهران.
- قاسم پور مقدم، حسین؛ روشن، بلقیس؛ محمدی، اکرم. (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های برنامه درسی آموزش زبان ملی در کشورهای حوزه زبان فارسی. **نواآوری‌های آموزشی**. ۹(۳۶). ۷-۲۸.
- کوهکن، علیرضا؛ رحیمی نژاد، محمدعلی؛ غلامی، سعید. (۱۳۹۷). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان. **پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی**. ۲۱(۲). ۳۹-۶۹.
- ملکیان، محسن. (۱۳۹۱). روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان. **مطالعات اوراسیای مرکزی**. ۵(۱۱). ۹۵-۱۱۴.
- میرفخرایی، سید حسن؛ فیروزمندی بندپی، مجید. (۱۳۹۶). دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز: فرصت‌ها و چالش‌ها. **مطالعات اوراسیای مرکزی**. ۱۰(۲). ۴۳۳-۴۴۸.
- هادیان، ناصر؛ واحدی، افسانه. (۱۳۸۸). **جایگاه مفهومی دیپلماسی. فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی**. ۳(۱).
- De Martino, M. (2020). Soft Power: theoretical framework and political foundations. *Przegląd Europejski*, (4), 11-24.
- Enaifoghe, A., & Makhutla, N. (2020). Exploring cultural diplomacy as soft power through cultural communication exports: A model of power for promoting peace and security. *African Journal of Gender, Society & Development*, 9(3), 83-107.
- Glaser, B.G. (2008). *Doing Quantitative Grounded Theory*. Sociology Press, Mill Valley.
- Hernandez, E.L.T. (2018). Public diplomacy, soft power and language: the case of the Korean language in Mexico City. *Journal of Contemporary Eastern Asia*, 17(1), 27-49.
- Nye, J.S. (2004). *Soft power: The means to success in world politics*. New York: Public Affairs. 1991.
- The Changing Nature of American Power. New York: Basic Books.
- اوسطی، رضا؛ فیضی، فاضل. (۱۳۹۹). بررسی فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری تاجیکستان طی سالهای ۱۳۷۷-۱۳۹۷. **پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی**. ۱۱(۴۲). ۴۰۳-۴۱۸.
- اخگری، محمد. (۱۳۹۹). مطالعه ظرفیت‌های رسانه شنیداری پادکست برای آموزش زبان فارسی در رادیوهای برون‌مرزی صداوسیما (مطالعه موردی: برنامه‌های آموزش زبان در رادیوهای دویچه وله و پارس تودی). **فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری**. ۳۳(۳۳). ۱۵۷-۱۸۰.
- اخگری، محمد. (۱۴۰۱). مطالعه نقش ترجمه در ژورنالیسم بین‌فرهنگی با مطالعه موردی رادیو پارس تودی برون‌مرزی ایران به زبان آلمانی. **مطالعات زبان و ترجمه**. ۱۵۵(۱). ۱-۲۷.
- اژدری، لایلا؛ فرهنگی، علی اکبر؛ صالحی امیری، سیدرضا؛ سلطانی فر، محمد. (۱۳۹۶). **مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات فرهنگ-ارتباطات**. ۱۸(۳۸). ۶۷-۱۰۲.
- بیران، صدیقه؛ پوررشیدی، هاتف. (۱۳۹۱). **بررسی دیپلماسی رسانه‌ای ایران در افغانستان پس از سقوط طالبان. مطالعات رسانه‌ای**. ۱۶(۷). ۱۲۳-۱۳۴.
- حاجیان، خدیجه. (۱۳۹۴). بررسی ظرفیتهای زبان و ادبیات فارسی در ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی در تاجیکستان و افغانستان. **مطالعات فرهنگ و ارتباطات**. ۱۶(۳).
- جوادی ارجمند، محمدجعفر؛ اسمعیلی، محمد. (۱۳۹۱). جایگاه دیپلماسی عمومی در روابط ایران و کشورهای فارسی‌زبان. **فصلنامه سیاست**. ۴۲(۳). ۹۷-۱۱۳.
- جعفری، علی اکبر؛ براریان، محمد. (۱۳۹۸). جایگاه دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز. **مجله بین‌المللی پژوهش ملل**. ۴(۴۰).
- رضایی مهر، سهیلا؛ وفايي، عباسعلی؛ اسپرهم، داوود. (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان قدرت نرم آموزش زبان و ادبیات فارسی در راهبرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. **راهبرد اجته‌ماعی-فرهنگی**. ۱۰(۳۷). ۶۳-۹۲.
- سازمان، بهاره؛ موسوی، میثم. (۱۳۹۹). تحلیل محتوای مقایسه‌ای مؤلفه‌های هویتبخش ملی در کتابهای فارسی؛ دوره ابتدایی ایران و کتابهای دری صنف ابتدایی افغانستان. **فصلنامه مطالعات ملی**. ۲۱(۴). ۴۷-۶۶.
- سلیمی بنی، صادق؛ مجاور شیخان، محمد. (۱۳۹۲). جایگاه دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی کشورها. **پژوهش در تاریخ**. ۳(۱۲). ۱۷۳-۱۹۳.
- سیمبر، رضا؛ مقیمی، احمد علی. (۱۳۹۴). **منافع ملی و شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. سیاست جهانی**. ۴(۱). ۷-۳۸.
- شهبازی فرد، شهره. (۱۳۹۶). ادبیات و زبان در دیپلماسی فرهنگی: از ضرورت تا واقعیت. **مجله بین‌المللی پژوهش ملل**. ۳(۲۵). ۲۹-۴۳.

Nye, J.S. (2021). Soft power: the evolution of a concept. *Journal of Political Power*, 14(1), 196-208.

Nye, J.S. (2022). Soft power: the origins and political progress of a concept. *The Journal of International Communication*, 28(1), 1-7.

Ociepka, B., & Arendarska, J. (2021). Cultural diplomacy as a network and networking in international relations: The case of cultural diplomacy in Russia. *SAGE Open*,
Doi:10.1177/21582440211054119.

-